

"بسمه تعالی"

گستره‌ی وظایف زن در خانواده «زیبایی‌های حکم خدا»

دکتر ع. میرخانی

مقدمه

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱ از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است. هبوط آدم ابوالبشر و همسرش حوا به عالم خاک و ورود این دو یار هم‌اندیش و مهربان از عالم افلاک، حقیقت مستوری بود که قرآن کریم با بیانی شیوا و دلنشین از آن پرده برداشت و رمز آرامش و صعود هماهنگ را برای نوع بشر، در پناه زوجیت آشکار ساخت. گرچه این فرود برای آن زوج نخستین ناگوار و بسیار دردناک بود، اما سایه‌ی همسری و همتایی خویش توانستند سیمای عروجی زیبا را ترسیم و برای زمینیان همدلی و تفاهم را تشریح کنند. آن‌گاه که هر دو با عزمی راسخ و قلبی نادم ولی مطمئن به عنایت خالق، توبه کردند و زمزمه‌ی ندامت سردادند و زندگی دشوار زمینی را بر مبنای رجوع به حق و استمداد از او آغاز کردند، این پیام عملی را از فراسوی زمان و مکان به گوش فرزندان خویش رسانند که در سایه‌ی زوجیت و در پناه هم‌اندیشی و همسری می‌توان همه‌ی فرازونشیب‌ها و پستی‌وبلندی‌های زندگی زمینی را در نوردید و دیگر بار به روشنایی و نور رسید.

کانون خانواده

بنابراین، سنت زیبای ازدواج امری فطری و طبیعی است که از روز نخستین در زندگی بشر بوده است و بر این اساس، در همه‌ی شرایع و جوامع مدنی صالح، پیروان بدان ترغیب می‌شوند. بر هیچ انسان خردمندی پوشیده نیست که سلامت و امنیت جوامع در گرو سلامت و امنیت خانواده است و حتی حفظ و گسترش

^۱ سوره‌ی روم، آیه‌ی ۲۱

قدرت ملی و استقلال سیاسی و اقتصادی، ریشه در استحکام بنای خانواده دارد؛ زیرا توانمندی و صلاحیت جامعه، حاصل توانایی افراد آن است و این توانایی جز در سایه صلابت و استحکام خانه و خانواده شکل نمی‌گیرد. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ اَلصِّقُ بِذَوِيْ الْاَحْسَابِ وَ اَهْلِ الْبَيْوَاتِ الصَّالِحَةِ وَ السَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ...»^۲ ای مالک در امور حکومت، انسان‌هایی را به‌کار بگمار که از شرافت خانوادگی و حسب‌ونسب لازم برخوردار باشند و در خانه‌های شایسته رشد و پرورش یافته باشند؛ زیرا ریشه‌های کرامت و بزرگواری و فضیلت از آنجا آغاز می‌شود. در کلامی دیگر، می‌فرماید: «اِذَا كَرُمَ اَصْلُ الرَّجُلِ كَرُمَ مَعِيْبُهُ وَ مَحْضَرُهُ»^۳ اگر انسان از کرامت و اصالت خانواده برخوردار باشد، دیگر به مراقب و نگهبان نیازی ندارد و در حضور و غیاب، رفتارش پسندیده و یکسان است.

این همان دغدغه‌ی انسان امروزی است که موجب نگرانی جوامع بشری شده است تا آنجا که پیوسته اندیشمندان جوامع را به اعترافی تلخ درباره‌ی حکایت جدایی بشر از این اصل واداشته است. «ژوسران» دانشمند فرانسوی می‌گوید: «تاریخ به ما می‌آموزد که تواناترین ملت‌ها مللی بوده‌اند که خانواده در آن‌ها قوی‌ترین سازمان را داشته است»^۴. اگر ریشه‌های مفاسد و بزهکاری را ارزیابی کنیم، درمی‌یابیم که عمده‌ترین مشکلات از ناحیه‌ی انسان‌هایی متوجه جامعه می‌شود که در پناه خانواده رشد نیافته‌اند و کمبودهای عاطفی و اخلاقی آنان را تباه کرده است. در تحقیقی که بعد از جنگ جهانی دوم صورت گرفت، این مسئله روشن شد که کودکان بی سرپرست جنگی، همان‌ها که تربیت شان به مراکز دولتی و پرورشگاهی واگذار شد، به‌لحاظ عاطفی و احساسی، درمقایسه با کودکانی که در خانواده پرورش یافته‌اند، کمبودها و خلأهایی دارند که این کمبودها حتی بعد از یک سالگی نیز بروز و ظهور می‌کند.^۵

از یک سو، ثبات، اقتدار و پیوستگی و همبستگی در خانه و خانواده، اثری بسیار بزرگ بر استحکام، پویایی، اقتدار و بالندگی جامعه دارد و در صورت فقدان یا وجود خلل در آن، هیچ نهاد و سازمان مجهزی نمی‌تواند جای آن را بگیرد. از این رو، دولت‌ها باید مقدمات ازدواج مردمان را فراهم کنند تا جامعه‌ای آرام، امن و بالنده داشته باشند. از سوی دیگر، هرچه از عمر زندگی اجتماعی انسان می‌گذرد، اهمیت و نقش خانواده

^۲. نهج البلاغه، عهدنامه‌ی مالک اشتر

^۳. غرر الحکم، ص ۳۲۷

^۴. حقوق خانواده، دکتر سید حسین صفایی، دکتر اسدالله امامی، ص ۱۵

^۵. همان مرجع

روشن‌تر می‌گردد و رعایت اصول و ضوابط شرعی و پذیرش حقوق و وظایف متقابل ازسوی زوجین ضرورت بیشتری می‌یابد. لذا در این نوع از قانون‌گذاری محوریت حق‌سالاری بر پایه‌ی مصلحت و تکامل خانواده است و هرگونه فردیت، چه در قالب مردسالاری و چه در قالب زن‌سالاری، نفی می‌گردد و درواقع، ازدواج همان الفت و مؤانستی است که طبیعت انسان طالب است.

در این گفتار برآنیم که بنا بر روایات و سیره‌ی ائمه (علیه‌السلام) و نیز حکمت هریک از اوامر و نواهی، بحثی کوتاه درباره‌ی وظایف زن بکنیم و موارد نشوز را برشمریم. گستردگی و وسعت روایات در این عرصه ما را بر آن داشت تا در نوع وظایف زنان تقسیماتی صورت پذیرد.

الف: الگوهای رفتاری

روایاتی درباره‌ی زیبایی‌های رفتاری زن

در این دسته از متون، به الگوهای رفتاری زنان اشاره شده و خود بر دو بخش است: نخست، معرفی بهترین زنانی که شیوه‌های رفتاری آنان تأیید و تحسین شده است؛ دوم، معرفی زنان بدکرداری که به‌دلیل نوع عملکرد و تخلف‌شان از وظایف، نکوهش شده‌اند. به‌هرروی، این دسته از روایات مهم‌ترین وظیفه‌ی زوجین را حسن سلوک و زیبایی در رفتار و معاشرت نیکو می‌دانند. ازآنجاکه در تقسیم وظایف و تدبیر امور منزل، مسئولیت آرامش و سکونت خانواده به عهده‌ی زن گذاشته شده است و کلیدهای عاطفی و روابط قلبی و روانی در دست اوست، لذا قانون‌گذار حکیم هستی براساس طبیعت خاص زنان که مظهر مودت و رحمت حق و مظهر زیبایی خلقت است، انتظاری بزرگ از زن دارد و مسئولیت عظیمی بر دوش او نهاده است. ازهمین‌رو و برای پرهیز از تشنج‌آفرینی، خداوند زشت‌خویی و ترش‌رویی مادر و همسر را بسیار مذمت می‌کند. درحقیقت، چون او اساس شکل‌گیری هویت خانواده است و حتی شخصیت اجتماعی همسر و فرزندان متأثر از فاعلیت اوست، لذا سعادت و شقاوت خانواده به وابسته می‌شود. در روایات، سعیدترین مرد کسی دانسته شده که همسری شایسته دارد. برخی از این روایات:

۱ - مرحوم کلینی از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند: «هیچ فایده‌ای به کسی نمی‌رسد بهتر از اینکه برای او بانویی باشد که نگاه و مصاحبت با او موجب سرور و شادمانی همسر باشد؛ چنین زنی در غیاب شوهر، امانت‌دار و حافظ حریم خویش و خانواده و اموال شوهر است».^۶

۲ - امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مردی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌آید و می‌گوید: همسری دارم که هرگاه به خانه می‌روم، به استقبالم می‌آید و هرگاه از منزل بیرون می‌روم مرا بدرقه می‌کند. وقتی مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: چه چیز تو را اندوهناک کرده است؟ اگر برای معشیت دنیا ناراحتی که دیگری عهده‌دار روزی توست و اگر برای آخرت ناراحتی، خدا بر هم تو بیفزاید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: (ای مرد) خداوند در زمین کارگزارانی دارد و این بانو یکی از آنهاست و به اندازه نیمی از ثواب شهادت پاداش می‌برد».

۳ - موسی بن جعفر (علیه السلام): «جهاد زن شوهرداری نیکوی اوست».^۷

۴ - ورام بن ابی فراس در کتاب «تنبیه الخواطر» از امام (علیه السلام) نقل می‌کند: «بدانید که بانوی شایسته و صالح از هزار مرد غیر صالح بهتر است و هر بانویی که به شوهر خود هفت روز خدمت کند، خداوند هفت درب آتش را بر او بسته و هشت درب بهشت را بر او باز می‌گشاید تا از هر یک که بخواهد وارد شود».^۸

۵ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر بانویی که در منزل شوهر، چیزی را جهت مصلحت زندگی زناشویی، جابه‌جا کند، خداوند بر او نظر رحمت کند و هر کس خدا بر او نظر کند، عذابش نمی‌کند».^۹

۶ - امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جواب اصبع بن‌باته درباره‌ی جهاد و وجوب آن بر مردان و نفی وجوب از زنان، فرمودند: «جهاد زن در این است که در زندگی زناشویی صبر و مدارا پیشه سازد و در برابر رفتارهای ناهنجار و اذیت شوهر بردباری لازم را داشته باشد».^{۱۰} لازم به ذکر است که این‌گونه از روایات برای

^۶. وسایل الشیعه، کتاب النکاح، ح (۲۴۹۷۲)

^۷. همان، ص ۲۴۹۵۴

^۸. همان، ص ۲۵۳۱۴

^۹. همان، ص ۲۷۵۵۶

^{۱۰}. همان، ص ۱۹۹۳۶

ترغیب مرد به اذیت و آزار نیست، بلکه از این جهت است که اگر در سختی‌های روزگار مرد دچار بحران خاصی شد، زن به سبب مصالح زندگی با او مدارا کند.

۷ - عبدالله بن سنان به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌گوید: «بدترین زنان شما کسی است که خالی از صفات ارزشمند و زشت خو، لجوج، نافرمان باشد، زنی که در میان قومش ذلیل و در نزد خویش خود را عزیز و بزرگ می‌پندارد، درقبال شوی خویش ایفای وظیفه نکند و نسبت به او دریغ ورزد، ولی به غیر شوهر خویش نهایت خضوع و تواضع بی‌جا از خود نشان دهد».^{۱۱}

۸ - در سخنی دیگر، شیخ صدوق در نقلی نسبتاً طولانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، اثر نامطلوب سوء رفتار را در زن و مرد دوسویه ارزیابی می‌کند. بخشی از آن روایت این گونه است: «کسی که خانمی دارد ولی او را در زندگی همراه نیست و به آنچه خدا بر او روزی کرده است مدارا و صبر ندارد و شوهر را تحت فشار قرار دهد و بر کاری وادارد که در توان او نیست، خداوند هیچ حسنه و کار خوبی را از او نمی‌پذیرد و این زن مورد غضب پروردگار خویش است، مادامی که این گونه رفتار می‌کند».^{۱۲}

حق‌مداری در تقسیم وظایف خانواده

این‌ها گوشه‌ای از روایات متعدد و فراوانی است که در نحوه‌ی تعامل رفتاری زن و مرد وارد گردیده است. در اغلب روایات، به وظایف هر دو طرف اشاره شده است و درکنار وظایف زن مسئولیت مردان نیز برشمرده می‌شود. البته، حکمت نیز همین امر را اقتضا می‌کند؛ زیرا نمی‌توان به‌گونه‌ای قانون‌گذاری کرد که از یک دسته حمایت بی‌اساس بشود و از دسته‌ی دیگر کار طاقت‌فرسا خواسته شود. همه‌ی قوانین باید در راستای تحکیم بنیان خانواده باشد که محور پیشرفت جامعه است. تحکیم خانواده مبتنی بر این است که زن و مرد هر دو به وظایف خود عمل کنند. ارسطو می‌گوید: «هیچ موجودی به غایت خود نمی‌رسد، مگر آنکه همواره وظیفه‌ای را اجرا کند که برای او مقرر است و این انجام وظیفه برای هر موجودی فضیلت است».^{۱۳}

^{۱۱}. همان، ص ۲۴۹۵۹، عقاب الاعمال ص ۴۶ و ۴۸

^{۱۲}. همان، ص ۲۵۳۱۵

^{۱۳}. آداب همزیستی و معاشرت، ص ۱۳

دکارت در موضوع صلاح جامعه می‌گوید: «صلاح کل بر صلاح جزء مقدم است و اگر کسی این حس را داشته باشد، مکارم والا از او ظاهر خواهد شد».^{۱۴}

قوانین اسلام در پی استحکام پایگاه خانواده است، یعنی تقویت کانونی که بنیادگذار همه‌ی سجایای ارزشی و تجلی‌گاه شکوه و یک‌پارچگی جامعه است. خانواده همان جایگاهی است که بشر از صفات شیطانی دست می‌کشد و صفات رحمانی‌ای چون مودت، رحمت، فضل، عفو، اغماض و لطف را تمرین می‌کند. انسان در خانواده از فردیت و خودنگری بیرون می‌آید و به کمال زوجیت و زیبایی صفا و همدلی می‌رسد.

قانون مدنی و حسن معاشرت

ماده‌ی ۱۱۰۳: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند».^{۱۵} در ماده‌ی بعدی که می‌توان آن را متمم این ماده دانست این‌گونه آمده است: «زوجین در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد به یکدیگر معاضدت نمایند».^{۱۶} این ماده تعیین نوع و کیفیت این همکاری را با رجوع اشخاص به عرف معقول حل می‌نماید و به مقتضیات زمانی و مکانی در این جهت توجه می‌کند.

ب: زیبایی عقیف

این دسته از روایات شامل متون متعددی می‌شود که ازسویی، تبرج و آرایش در برابر نامحرم را نفی و ازسوی‌دیگر، بر نظافت، پاکیزگی، پیرایش و آرایش بانو در منزل تأکید می‌کند. چنین رویکردی فوائد بسیاری دارد و آثار شگرفی در بهبود وضع خانواده می‌گذارد؛ ازجمله:

فایده‌ی اول: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى اثْرَ النِّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ».^{۱۷} پروردگار بدیع و زیباآفرین ظهور جمال و زیبایی را دوست دارد و چون زنان مظهر صفت جمال هستند، زینت برای ایشان زیننده‌تر است. زیبایی زن در خانه بی‌شک تأثیر زیادی در تشدید جذابیت خانه برای مرد دارد. البته، مردان نیز درقبال زیبایی و رعایت بهداشت مسئول‌اند و این فکر که مرد به زینت ظاهر نیازی ندارد، فکر باطلی

^{۱۴}. همان

^{۱۵}. حقوق مدنی خانواده، دکتر کاتوزیان، ج ۱، ص ۲۱۹

^{۱۶}. همان، ص ۲۲۰

^{۱۷}. کافی، ج ۶، ۴۳۸

است که از سوی اسلام کاملاً مطرود است و مخالفت با سیره‌ی نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) است. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «بُسِّ الْعَبْدُ الْقَادُورَةُ»^{۱۸} آدم کثیف و زولیده بنده‌ی بد و مذمومی است. در بیان دیگر، امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءَ الْعَقَّةَ لِتَرَكَ أَزْوَاجَهُنَّ التَّهْيَةَ لَهُنَّ»^{۱۹} چه بسا بی‌توجهی مرد به رعایت آراستگی ظاهری موجب شود که زن از وادی عفت و پاکدامنی فاصله بگیرد.

فایده‌ی دوم: رعایت آراستگی و پیراستگی زن و انجام این وظیفه از سوی او درست در راستای میل طبیعی زن به آرایش و پیرایش و خودآرایی و دلبری اوست و شریعت در صدد تعدیل و شکل‌بخشیدن صحیح به این تمایل طبیعی زن برآمده است. از این رو، اسلام نه تنها برخی از زینت‌ها مختص زن قرار داده است (مثل طلا و ابریشم) بلکه تدارک آلات تنظیف و تزئین زن را وظیفه‌ی مرد قرار داده است.

فایده‌ی سوم: چنین رویکردی سبب ایجاد اعتماد بیشتر بین زن و مرد می‌شود؛ زیرا وقتی بیشترین حد آرایش و پیرایش زوجین برای یکدیگر باشد، علاوه بر ایجاد و ازدیاد عاطفه‌ی قلبی، موجب اطمینان زوجین نسبت به یکدیگر می‌شود. هر دو معتقد خواهند شد که تمامی ارادت و علاقه‌ی خویش را فقط در راه رضایت یکدیگر به کار می‌گیرند و بس. در چنین فضایی هرگونه سوءظن و عدم اطمینان در روابط خانواده محو می‌گردد و پایه‌های نظام خانواده بر اساس حسن روابط استوار می‌گردد.

فایده‌ی چهارم: چنین راهی به امنیت اجتماعی و سلامت روان جامعه می‌رسد. وقتی توجه زن به وظایف اصلی خویش در محور خانواده نباشد، زن که مبدأ آرامش و امنیت خانواده است، جایگاه خویش را به عنصری نامطلوب می‌دهد که نه تنها خود از آزادی و امنیت برخوردار نیست، بلکه جامعه را به سوی ناامنی می‌کشاند. چنین زن منحرفی عامل تبرج جاهلیت مدرن می‌شود. در واقع، او از اوج عزت بندگی حق و کرامت انسانی به حذیذ دنیا سقوط کرده است و به نام آزادی به اسارتی ننگین تن می‌دهد.

پیش‌بینی مورخ معروف غربی «ویل دورانت» از سال ۲۰۰۰ و نگرانی او در مورد مسئله‌ی زنان و نابسامانی خانواده در عصر مذکور قابل توجه است: «اگر فرض کنیم در سال ۲۰۰۰ مسیحی هستیم و بخواهیم بدانیم بزرگ‌ترین حادثه‌ی ربع اول قرن بیستم چه بوده است، متوجه خواهیم شد که این حادثه جنگ یا انقلاب

^{۱۸}. کافی، ج ۶، ۴۳۹

^{۱۹}. مکارم الاخلاق، ۴۸۹

روسیه نبوده است، بلکه دگرگونی وضع زنان بوده. تاریخ چنین تغییر تکان دهنده‌ای، آن‌هم در مدتی به این کوتاهی، کمتر دیده است و خانه‌ی مقدس که پایه‌ی نظم اجتماعی ما بوده، شیوه‌ی زناشویی که مانع شهوت‌رانی و ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی پیچیده‌ای که ما را از توحش به تمدن و آداب رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پراشویی که همه‌ی رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را گرفته است گرفتار گشته‌اند».^{۲۰}

روایاتی درباره‌ی وظایف سازنده‌ی زن در خانواده

۱ - امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی حقوق شوهر بر بانو، در پاسخ خانمی که از وظایف زن سؤال می‌کرد، فرمود: بانو وظیفه دارد با خوشبوترین عطرهاش خود را معطر کند و بهترین لباس‌هایش را برای شوهر بپوشد و با نیکوترین زینت‌هایش خود را بیاراید.^{۲۱}

۲ - جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که حضرت در ارزیابی صفات زنان شایسته می‌فرماید: «بهترین زنان شما بانویی است که ... مهربان و عفیف است، در بین بستگان عزیز و در برابر شوهر پذیرش و انعطاف دارد (در برابر او گردن‌کشی نمی‌کند) آن‌گاه که در کنار شوهر خویش است، خود را می‌آراید، اما نسبت به دیگران خود را محفوظ می‌دارد (بی‌بندوباری نمی‌کند)».^{۲۲}

۳ - محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند: «سزاوار نیست بانو به خود نرسد، ولو در گردن خود گردن‌بندی بیندازد و سزاوار نیست رنگ‌کردن دستش را ترک کند، اگر چه با حنا مسح نماید».^{۲۳}

۴ - امام صادق (علیه السلام) از پدرش و او از جدش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند: زن نباید برای غیر شوهر خود، آرایش کند.^{۲۴}

^{۲۰}. حقوق زن در اسلام، استاد مطهری، ص ۳۷

^{۲۱}. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ح (۲۵۳۰۱)

^{۲۲}. همان، ح (۲۴۹۴۲)

^{۲۳}. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ح ()

^{۲۴}. همان، ح (۲۵۳۱۰)

۵ - اصیغ بن نباته از امیر المؤمنین (علیه السلام) نقل می‌فرماید: «در آخر الزمان که بدترین زمان‌هاست، زنانی ظاهر می‌شوند که این‌ها (عفت و حجاب) را کنار می‌زنند و به عریانی روی می‌آورند و (در منظر دیگران) با زینت و خودآرایی ظاهر می‌شوند. اینان از جرگه‌ی دین خارج و به‌سوی فتنه‌ها پیش می‌روند. تمایل آنان به‌سوی شهوات است و برای لذت‌بردن عجله دارند و می‌کوشند حلال‌ها را حرام کنند. اینان همواره در جهنم خواهند ماند.»^{۲۵}

۶ - عبدالله بن سنان از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند: «بدترین زنان شما کسی است که برای شوهرش پرهیز و منع دارد (و زیبایی‌هایش را بر او عرضه نمی‌دارد) ولی برای دیگران و غیر شوهر تباهاکاری می‌کند.»^{۲۶}

در همه‌ی این روایات به تحکیم بنای خانواده از درون و از طریق آراستگی ظاهری و باطنی توصیه شده است. در واقع، ایجاد روابط سالم و صمیمانه و تعامل رفتاری و گفتاری ارزشمند به‌عنوان وظیفه‌ی دو طرف شمرده می‌شود و سهم زن در این میان این است که نظر شوهرش را جلب کند و باعث مصونیت خانواده شود.

آرایش زن از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

حضرت امام خمینی (قدس سره) در تحریر الوسیله در این باره می‌فرماید: ترک وظایف و عدم رعایت حقوق همسری از جانب زن عبارت است از:

۱- آماده‌نساختن خود برای کامیابی و عدم تمکین از سوی زن؛

۲- از بین بردن آنچه مایه‌ی تنفر انزجار و مانع ایجاد رابطه‌ی زناشویی و تمتع لازم است؛

۳- ترک نظافت و آرایش در صورتی که همسر خواستار آن است؛

۴- بیرون رفتن از خانه و غیر از آن.

^{۲۵}. همان، ح (۲۴۹۶۱)

^{۲۶}. همان، ج ۱۴، ح (۲۴۹۵۹)

ایشان می‌فرماید: اگر زن از انجام خدمات خانه و نیازمندی‌هایی که در تمتعات زناشویی لحاظ نمی‌شود (مانند جارو زدن، خیاطی، آشپزی و حتی آب‌دادن یا پهن کردن رخت‌خواب) خودداری کند، نشوز محسوب نمی‌شود.^{۲۷} بنابراین، عمده‌ترین وظایف زن ایجاد رابطه‌ی شایسته با شوهر از جهت رفتار و گفتار و تحبیب قلوب و تسکین روان خانواده است.

قانون مدنی در ماده‌ی ۱۱۰۸ این چنین می‌گوید: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود».^{۲۸}

ج: عشق و وفاداری بانو

این دسته شامل روایاتی است که در آن‌ها بر وفاداری زن در برابر شوهر تأکید می‌شود. بی‌توجهی زن در قبال پیمان زناشویی یکی از مفسد و جرایم زن محسوب می‌گردد و هرگونه روابط نامشروع با غیر همسر شدیداً مذمت می‌شود. این وظیفه هم طرفینی است و اختصاص به زن ندارد؛ یعنی تعامل دوسویه است، لذا رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «نسبت به زنان مردم عقیف باشید تا زنان شما عقیف بمانند».^{۲۹}

۱ - رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله): بدترین زنان و شرورترین آنان کسی است که ارزشی در او یافت نمی‌شود، وجودش تهی از فضایل شده است، به آلودگی دامن می‌زند، لجوج و عصیانگر و طغیانگر است، قوم خویش را با اعمالش ذلیل و خوار می‌کند، از درون خود را بزرگ می‌بیند [و از بیرون رفتارش موجب حقارت و پستی است]، از شوهر پرهیز می‌کند و از غیر شوهر پروا و پاکدامنی ندارد و خود را به دیگری عرضه می‌دارد.^{۳۰}

^{۲۷}. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، کتاب النشوز والشقاق

^{۲۸}. نکاح و اغلال آن، سید مصطفی محقق داماد، ص ۲۵۶

^{۲۹}. وسایل الشیعه، ج ۱۴، باب تحریم النظر الی النساء الاجانب

^{۳۰}. همان، کتاب النکاح، ح (۲۴۹۶۰)

۲ - محمدابن مسلم از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: خداوند با سه دسته سخن نمی‌گوید و ایشان را پاک نمی‌نماید و برایشان عذاب دردناکی مهیاست و یکی از آن‌ها زنی است که فراش و رختخواب شوهر خویش را در اختیار مرد دیگری قرار می‌دهد.^{۳۱}

۳ - امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرسید: «آیا از بدترین نوع زنان خبر بدهم؟ گفتند: آری. فرمود: آن زنی که با مرد دیگری در رخت‌خواب همسر می‌آمیزد [و شرمگینانه‌تر اینکه] فرزند دیگری را به شوهر تحمیل و ملزم می‌دارد. اوست آن بنده‌ای که خدا هرگز با نظر لطف به او نمی‌نگرد و روز قیامت او را مورد خطاب خود قرار نمی‌دهد و او را نمی‌آمزد».^{۳۲}

شاید بسیاری از ما با صرف دیدن برخی از روایات پی به اهمیت تأکیدی نبریم که شارع بر انجام وظایف زوجین دارد؛ اما وقتی انسان به تفکر و اندیشه می‌نشیند و به زوایای حقوق و اخلاق در خانواده فکر می‌کند، هر لحظه دقایق و ظرایف خاصی جلوه می‌کند و حکمت‌ها و اسرار نوینی ظاهر می‌شود که انسان را به حیرت وامی‌دارد. برای مثال، شاید ما کراً این آیه از قرآن را خوانده‌ایم: «... وَ مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا»^{۳۳} اما به نقش پاکدامنی این بانوی بزرگ در ظهور شخصیتی چون عیسی توجه نکرده باشیم. این آیه مبین چند واقعیت در نظام هستی است:

اول: هر آنچه مصلحان جهان از ارزش‌ها دارند، حاصل پاکدامنی مادرشان است؛

دوم: پاکدامنی زن نقش جهانی و اثر بین‌المللی دارد؛

سوم: پاکدامنی زن عامل جاودانگی شخصیت او در تاریخ بشریت است؛

چهارم: مقدار ارزشمندی زن به مقدار تعبد او در مقابل حکم خدا و پاکدامنی اوست؛

پنجم: مادر دلسوز و اندیشمند به صلاح فرزندان هرگز دست به آلودگی و مفسده نمی‌زند.

^{۳۱}. همان، ح (۲۵۷۰۹)

^{۳۲}. همان، ح (۲۵۷۱۰)

^{۳۳}. تحریم، ۱۱

اینجاست که حکمت تأکید شریعت بر رعایت کامل وفاداری از سوی زوجین به یکدیگر روشن می‌شود و اینکه چرا الزام آن‌ها به تعهداتشان موجب تجکیم میثاق خانواده می‌گردد. از این رو، قانون‌گذار حفظ حریم پاکدامنی را فقط به عنوان وظیفه‌ی حقوقی متقابل برای زوجین بر نمی‌شمارد، بلکه بی‌توجهی به آن را نه تنها بی‌اعتنایی به «حقوق الله» می‌شمارد، بلکه برای آن عقوبت دنیوی و اجرای حد قرار می‌دهد و در حقوق جزا برای جرم عدم وفاداری زوجین، غرامت خاص و سنگین وضع می‌کند. شارع مقدس هرگونه آزادی جنسی و ارتباط نامشروع را برای زن و مرد شدیداً نکوهش می‌کند و برای ارتکاب آن توسط زن و مردی که همسر دارند، مجازاتی تا اعدام در نظر می‌گیرد.

در این دسته از روایات، چند نکته مورد توجه است: اول، تأکید بر تمکین «خاص از سوی بانو» و عرضه‌داشتن خود بر شوهر؛ دوم: عدم امتناع از برقراری روابط سالم زناشویی؛ سوم: منع از هرگونه برقراری ارتباط و التذاذ در محیط‌های اجتماعی و نگاه‌های هوس‌انگیز مسموم.

در فرهنگ اسلام، سه عنصر کرامت زن، مصلحت خانواده و سلامت جامعه از مهم‌ترین اهداف فرهنگی هستند و از این رو این سه عنصر حکمت بسیاری از احکام را روشن می‌کنند. می‌توان گفت، وظایف زوجین درست در راستای این اهداف شکل می‌گیرد. در نگرش اسلام، محیط‌های اجتماعی باید به گونه‌ای باشد که مبدأ رشد و بالندگی علمی، اقتصادی، فرهنگی و فنی باشد. از این رو، تعاملات رفتاری و گفتاری و نحوه‌ی ایجاد ارتباط باید به گونه‌ای باشد که تأمین‌کننده‌ی این اهداف و نیز قداست و حرمت حریم خانواده گردد. لذا، اگرچه در ظاهر محدودیت‌هایی از جهت کنترل در نوع نگاه، نوع سخن و نوع ارتباط هست، اما در دل این قوانین حریت، آزادی، استقلال، منزلت و شرافت نهفته است. از این رو، مراد از تمکین و حصول رضایت همسر، صرف قراردادن زن تحت اعمال غریزه‌ی جنسی مرد نیست، بلکه این تمکین اولاً خشوع در مقابل حکم کردگار حکیم؛ و ثانیاً عشق‌ورزی بی‌شائبه و پایبندی به قداست خانواده است؛ و ثالثاً محکم‌ساختن میثاق ازدواج و کمک به انجام رسالت زن در برابر هستی است.

۱ - طبرسی در مکارم الاخلاق از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند: «شایسته نیست که زن بخواهد، مگر اینکه تمایل خود را به تمکین از شوهرش ابراز دارد؛ به این گونه که بانو با همسر خویش زیر یک پوشش باشد و خود را از لباس عفاف که در مقابل دیگران دارد، خلع کند و بخشی از بدن خود را در تماس با بدن زوج قرار دهد. پس به این صورت اگر عمل کرد، عرضه بر شوهر محقق شده.^{۳۴}»

مراد این است با تمسک به ظرافت‌های خاص رفتاری، شوهر را به سوی خود جلب کند.

۲ - رسول خدا (صلی الله علیه و آله): «مادران [باتوجه به روحیات لطیف و حساسی که دارند] به فرزندانشان واله و شیدا و با آن‌ها بسیار مهربان هستند و اگر در سلوک خویش با شوهرانشان بعضی رفتارهای نامطلوب را انجام ندهند، قطعاً به آن‌ها گفته می‌شود که بدون حساب داخل در بهشت شوید.»

۳ - امام باقر (علیه السلام) فرمود: «خیرات حسان که خداوند در قرآن کریم از آن خبر داده است از زنان اهل دنیا هستند و ایشان از حورالعین هم زیباترند و هیچ اشکالی ندارد که مرد به بدن بدون لباس همسر نظر نماید.»^{۳۵} امام (علیه السلام) در روایت دیگر می‌فرماید: «آیا لذت مرد غیر از این است؟»^{۳۶}

۴ - محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند: «بانو نباید شوهر را [از تمکین خاص] منع نماید، اگرچه بر مرکب سوار باشد.»^{۳۷}

۵ - جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند: «بدترین زنان کسی است که در خلوت، شوهرش را از بهره‌مندی منع می‌کند.»^{۳۸}

۶ - امام باقر (علیه السلام) علیه السلام فرمود: «بهترین زنان کسی است که به هنگام خلوت با شوهر، لباس حیا را در کنار همسر درمی‌آورد.»

^{۳۴}. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۶، ح (۲۵۳۵۵)

^{۳۵}. همان، ص ۱۱۷، ح (۲۵۳۱۶)

^{۳۶}. همان

^{۳۷}. همان، باب نکاح، ح (۲۵۳۰۰)

^{۳۸}. همان، ح (۲۴۹۵۷)

۷ - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «بهترین بانو کسی است که عقیف است در مقابل دیگران و به انقیاد شوهر در ارضای تمایل جنسی دارد».

بحثی درباره ی تمکین و اطاعت کردن

معناهای تمکین: پذیرفتن، قبول کردن، دست دادن، پابرجا کردن، نیرو دادن، قدرت دادن، احترام، اطاعت کردن و توانایی.

آنچه از این معانی به دست می آید این است که تمکین به ظاهر به معنای اطاعت شوهر است، اما در واقع به معنای بالایی و بزرگی و برتری است. وقتی ما به نوع وظیفه در تمکین و حدودی که کردگار حکیم برای آن معین نموده است توجه می کنیم، می بینیم که این همان تمکین حکم خداست که در سایه ی آن عزت، بزرگی و کرامت انسانی قرار دارد. این همان ارزشمندی زن در نزد پروردگار و در نزد شوهر و در نزد مردم است که از متن بسیاری از روایات هم همین معنا بدست می آید. در بسیاری از متون روایی، درباره ی صفات ناپسند زن این عبارت به چشم می خورد: «الدَّيْلَةُ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيْزَةُ مَعَ بَعْضِهَا»، (در برابر دیگران زبونی و خضوع بی جا بکاربردن و در نزد شوهر گردن کشی کردن و انعطاف نداشتن) این گونه کلمات مبین این است که انقیاد صحیح زن در مقابل رسالت خویش در خانواده، عزت و بزرگی او را در همه جا به دنبال دارد. البته، تمکین و اطاعت در مقابل شوهر فقط در راستای حکم خدا بر زن لازم است، نه الزام و پذیرش هر حکمی، ولو غیر منطقی و غیر معقول یا حکمی مخالف حکم الهی.

اقسام تمکین: از آیات و روایات و متون اسلامی برمی آید که تمکین در دو بخش عام و خاص وجود دارد و تمکین خاص همان اذن استمتاع جنسی است. از آنجاکه اسلام دین اکمل است، در مقام پاسخ گویی به تمامی نیازها تمایلات و جهت دادن به آن بهترین روشها را ارائه داده است. اینجا هم، درباره ی ارتباط زوجین و همکاری و تعاون دو جنس بهترین دستورات بهداشتی، اخلاقی و روانی را عرضه داشته است.

استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می گوید: «قانون خلقت زن و مرد را طالب و علاقه مند به یکدیگر قرار داده است، اما نه از نوع علاقه ای که به اشیا دارند. علاقه ای که انسان به اشیا دارد از خودخواهی او ناشی می شود، ... می خواهد آنها را فدای خود و آسایش خود کند؛ اما علاقه زوجیت به این شکل است

که هریک از آنها سعادت و آسایش دیگری را می‌خواهد، از گذشت و فداکاری درباره‌ی دیگری لذت می‌برد. عجیب است که بعضی از افراد نمی‌توانند میان شهوت و رأفت فرق بگذارند، خیال کرده‌اند که آن چیزی که زوجین را به یکدیگر پیوند می‌دهد، منحصرأ طمع و شهوت است، حس استخدام و بهره‌وری است.... این افراد گمان کرده‌اند که مرد به زن همیشه با آن چشم نگاه می‌کرده و می‌کند که احياناً یک جوان عزب به یک زن هرجایی نگاه می‌کند، یعنی فقط شهوت است که آن دو را به یکدیگر پیوند می‌دهد؟! در صورتی که پیوندی بالاتر از شهوت است که پایه‌ی وحدت زوجین را تشکیل می‌دهد و آن همان چیزی است که قرآن کریم از آن به نام‌های «مودت و رحمت» یاد کرده... چقدر اشتباه است که تاریخ روابط زن و مرد را فقط از نظر حس استخدام و استثمار و بر پایه‌ی اصل تنازع بقا تفسیر کنیم و چقدر مهملات در این زمینه بافته شده است».^{۳۹}

۵: تمکین عام

غیر از تمکین خاص، شارع موارد دیگری را نیز برشمرده است که در آنها زن باید از شوهرش اطاعت کند. به این موارد تمکین عام می‌گویند؛ برای مثال، شوهر می‌تواند به دلیل مصالح خانواده معاشرت‌های همسر را در رفت‌وآمد و خروج از منزل کنترل کند یا اینکه سکونت زن در منزلی که شوهر برای زندگی مشترک تدارک دیده است از وظایف زن محسوب می‌شود، مگر اینکه زن اختیار تعیین را به‌عنوان شرط ضمن عقد برای خود قرار دهد. البته، مرد هم باید در انتخاب مسکن برای زوجه رعایت اعتدال، عرف و شأن زن را بنماید و حق ندارد خودسرانه زن را در تنگنا و عسرت روانی یا مالی قرار دهد. به عبارت دیگر، ریاست مرد هم باید براساس اعتدال و رعایت مصلحت خانواده باشد، یعنی مرد حق حاکمیت براساس معروف و عدالت دارد، اما حق تحکم ندارد.

^{۳۹}. حقوق زن در اسلام، ص ۲۱۲

موارد عدم تمکین و تخلف از وظایف (نشوز زن)

۱ - سوء معاشرت، مانند بی اعتنائی به همسر یا تندخویی با او و رعایت نکردن شئون همسر در رفتار؛

۲ - عدم معاضدت در استحکام مبانی خانواده و بی توجهی به زندگی مشترک و امور فرزندان؛

۳ - خروج از منزل بدون اذن زوج؛

۴ - امتناع از رفتن به خانه‌ای که زوج برای زندگی مشترک انتخاب کرده است.

روایاتی در باب تمکین

۱ - سعدان ابن مسلم از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: در حدیث بیعت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به زنان فرمود: «ای بانوان، گوش فرا دهید من در صورتی با شما بیعت می‌کنم که [در عرصه‌ی عقیده] شرک نوزید و دست شما به سرقت و تعرض به مال دیگران دراز نشود و زنا نکنید و فرزندان خود را نکشید و دچار بهتان و تهمت زدن به یکدیگر نشوید و در امر شوهرداری در برابر آنچه عرف است با ایشان مخالفت نوزید».^{۴۰}

در این روایت اطاعت از زوج به قید عرف آمده است، یعنی مرد حق ندارد برخلاف معاشرت به معروف و در جهت مخالف حکم خدا و رسول از همسر خویش اطاعت از چیزهایی را بخواهد که نه با عرف و سیره شایستگان همسویی دارد و نه با حکم خدا و یا اینکه موجب ضرر و ضرار یا عسر و حرج او می‌شود.

۲ - امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: خانمی به محضر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمد و از حق زوج به زوجه سؤال نمود، ایشان فرمودند: «اینکه خانم اطاعت او را کند و با او به مخالفت و عصیانگری [و مشاجره در خانه] نپردازد؛ [چون رسالت زن ایجاد امنیت است نه اغتشاش]. بانو از مال شوهر و خانه‌ی شوهر چیزی نبخشد، مگر با مشورت و اجازه‌ی او، روزه‌ی مستحبی نگیرد، مگر با رضایت او و نسبت به شوهر دریغ نوزرد... و از خانه‌ی او بدون اجازه‌ی همسر خارج نشود...».^{۴۱}

^{۴۰}. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ح (۲۵۴۵۱)

^{۴۱}. همان، ح (۲۵۳۰۰)

۳ - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «زن با بهترین عطریاتی که دارد، خود را خوشبو سازد و بهترین لباس‌هایش را بر تن نماید و خود را در هر صبح و شام بر شوهر عرضه بدارد».^{۴۲}

۴ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اگر خانم نمازهای پنجگانه‌ی یومیه و روزه‌ی ماه رمضان را به‌جای آورد و حج بیت‌الله کند و وظایف خویش را در برابر همسر انجام دهد و معرفت به حق امامت داشته باشد، پس بهشت بر او واجب می‌گردد، از هر دری که بخواهد».^{۴۳}

۵ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر بانویی که با زبان خویش در صدد رنجش شوهر باشد (و زخم زبان بزند)، خداوند از این خانم کارهای نیکش را نمی‌پذیرد. مادام که زن ظالم و اذیت‌کار باشد دارای چنین سرنوشتی است. بدانید هر بانویی که همراهی و رفق و مدارا با شوهر را نداشته باشد و او را بر کارهایی وا دارد که در توان و قدرت او نیست و یا بر اموری که تحمل آن بر شوهرش ممکن نیست، خداوند کارهای حسنه‌ی او را قبول نمی‌کند و درحالی پروردگار را ملاقات می‌کند که از او خشناک است».^{۴۴}

آنچه از مجموعه این روایات به دست می‌آید، دقیقاً در راستای کلام خداست که می‌فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ».^{۴۵} زنان با صلاحیت و مسلح به سلاح ایمان در راستای بندگی خدا به صلاح خانواده می‌اندیشند و آن‌گاه که شوهر در خانه و در کنار اوست، با با محبت رفتار می‌کند. اینان منشأ سکونت و آرامش‌اند، زیرا چشمه‌سار زلال عشق و عواطف انسانی از سینه‌های پر عطوفت آنان روان و سرازیر می‌گردد. آن‌ها در غیاب شوهر هم حفاظت از حیثیت خانواده پاسداری می‌کنند و برای تثبیت سجایای اخلاقی می‌کوشند.

زن؛ محور پیشرفت اجتماع

اگر درون پیکری سامان‌دهی نداشته باشد، بیرون آن قطعاً متزلزل است. امروز، به اثبات رسیده است که احساسات و عواطف بذری است که طبیعت در سرشت بنی‌آدم افشاندن است و این بذر به باغبانی و آبیاری

^{۴۲}. همان، ح (۲۵۳۰۲)

^{۴۳}. همان، ح (۲۵۳۰۳)

^{۴۴}. همان، کتاب نکاح، ح (۲۵۴۵۴)

^{۴۵}. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۴

نیاز دارد و رسالت این باغبانی بر دوش زن است. نقش عواطف به قدری است که می‌تواند نیروی عقل را با همه‌ی قدرت و نورانیتش تیره‌وتار کند. عقل و علم با تمام ارزش و گستره‌ای که دارد مانند عدالت سرد و بی‌روح است و این عواطف است که انسان‌ها را سرشار از جنبش‌ها، هیجان‌ها، گرمی‌ها، انعطاف‌ها و دوستی‌ها می‌سازد و حتی عقل را بارور می‌کند و به علم، لباس عمل می‌پوشاند. اگر به دیده‌ی دقت بنگریم، حقیقت ایمان هم حب و عشق به خوبی‌ها و خوبان است، چنانچه می‌فرماید «و هَلْ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ...».^{۴۶} اینجاست که نقش تعیین‌کننده و بالنده‌ی مادر و همسر در القای چنین روحیه‌ای در افراد خانواده روشن می‌گردد و فلسفه‌ی تمکین او در برابر حکم خدا در انجام وظایف همسری آن است که می‌خواهد دیگران را متمکن و مستغنی سازد.

زن رسالت انسان‌سازی دارد و کارش در رتبه‌ی کار معلمان و مصلحان و رهبران جامعه‌ی بشری است. خانه دانشگاه و پرورشگاه و مدرسه‌ای است که کلاس آن دامن پرعشق و عطوفت مادر است. حال آیا ممکن است دانشگاه بشریت را خالی از مربی آن سازیم و بگوییم خانه به حضور مادرانه نیازی ندارد؟ اینجاست که در روایات متعدد بر اذن و ایجاد هماهنگی لازم در خروج مادر از منزل شده است، زیرا لازمه‌ی رسالت پدر و ایفای مسئولیتش که اداره‌ی زندگی و مدیریت است، در خانه ماندن نیست و روحیات او هم اقتضای این را ندارد. حال که خواه‌وناخواه مربی‌گری و تدبیر و تنظیم امور منزل با زن است و خلأ نبودن او و تأثیرات روانی آن کاملاً مشهود است، در غیاب شوهر، رسالتی دوچندان دارد. باین توصیف، چگونه می‌توان به صرف توسعه‌ی نگرش‌های التقاطی و فمینیستی این‌گونه القا کرد که زن برای رفت‌وآمدش به تبادل نظر با شوهر و اذن در خروج نیازی ندارد و آیا می‌توان حقایق طبیعی زندگی را نادیده گرفت و بر پایه‌ی اعتبارات غیرمستند، خانواده را به کام سقوط و انهدام سپرد؟

البته، هرگز این سخن بدان معنا نیست که ما حضور اجتماعی زن را نادیده بگیریم و او را از بهره‌مندی‌های لازم و شایسته‌اش منع کنیم، بلکه با حفظ سمت مادری و همسری، زن باید در رفع مشکلات علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جامعه نقش خود را به‌شایستگی ایفا کند؛ همان‌گونه که در الگوهای ممتاز دینی ما این چنین بوده است. برای مثال، به ابعاد زندگی دختر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بنگرید که در خانه بهترین

^{۴۶}. اصول کافی، باب کفر و ایمان، بخش حب و بغض

همسر و ارزشمندترین مادر است و در عرصه‌ی علوم و خوض در آیات وحی، خطبه‌ی غریش در مسجد مدینه نمودی از نقشی بی‌بدیل در عرصه‌ی فعالیت اجتماعی بیرون از خانه است.

از آنجاکه زن معلم و مربی انسان‌هاست و همچنین توانمندی زیادی در عرصه‌های علم و اندیشه و اخلاق دارد و تأثیر به‌سزایی در ارتقا خانواده دارد، پیوسته به تعلیم و تربیت نیاز دارد. چنان‌که عمومیت آیات مربوط به تعلیم و تربیت و تعابیری چون «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»^{۴۷} مبین همین معناست. همچنین، موارد زیاد دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد اسلام برای ارتقای فکری و فرهنگی زن نقش زیادی قائل است. برای مثال، اسلام یکی از اقسام مهریه را تعلیم قرآن قرار می‌دهد؛ یا این روایت: «يَاكُم وَ تَزْوِيجُ الْحَمَقَاءِ مُصَاحِبَتُهُمَا بَلَاءٌ وَ وَكْدُهَا ضِيَاءٌ»^{۴۸}، یعنی از ازدواج با زنی که کوتاه‌فکر و احمق است پرهیزید که مصاحبت با چنین زنی بلایی بزرگ است و فرزند او هم انسان ناکارا و کودن است. براین اساس، فقها کلاً نظر بر این داده‌اند که زن باید (حداقل) از واجبات دینی خویش و مسائل مبتلابه شرع آگاهی لازم را داشته باشد و حتی در فراگیری واجبات، اذن همسر ملاک نیست.

نتیجه

در پایان و برای نتیجه‌گیری به خلاصه‌ای از وظایف الزامی و غیرالزامی زن اشاره می‌کنیم:

الف: وظایف الزامی زن

- ۱ - حسن معاشرت و رفتار شایسته و موجب اطمینان شوهر؛
- ۲ - تمکین خاص زن و پاسخ‌گویی به حق استمتاع و کامیابی او؛
- ۳ - عفت و ورزی و حفظ پاکدامنی در حضور و غیاب شوهر؛
- ۴ - ترک نکردن خانه و خانواده و خروج از منزل مگر به اذن شوهر؛

^{۴۷}. مصباح الشریعة / ۱۳ / الباب الخامس فی العلم.

^{۴۸}. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۸۳

۵ - رعایت نظافت و بهداشت و پیرایش و آرایش ظاهری؛

۶ - پذیرش محل سکونت شوهر برای زندگی مشترک، مگر اینکه به عنوان شرط ضمن عقد حق انتخاب مسکن را برای خود قرار دهد؛

۷ - عدم بخشش از مال شوهر، مگر با رضایت او.

ب: وظایف غیر الزامی زن

۱ - برای حفظ مصالح خانواده حتی الامکان سازش نماید و خانواده را به سوی صلاح سوق دهد؛

۲ - از آنچه موجب اذیت و آزار شوهر است پرهیز کند؛

۳ - در رفتاری‌ها و پستی و بلندی‌های زندگی یاور خوبی باشد؛

۴ - صبر و تقوا در زندگی پیشه سازد که در این عمل خیر برکات زیادی است؛

۵ - خوب است بانو در کنار شوهر حیا را کنار بگذارد؛

۶ - خوب است بانو عبادات مستحبی را با اجازه‌ی شوهر به جا آورد و در تزاحم عبادت و عرضه به شوهر دومی را انتخاب نماید؛

۷ - بر سوء اخلاق و آزار شوهر تا حد ممکن صبر و مدارا نماید؛

۸ - برای همراهی با شوهر کارهای داخلی خانه را در حد توان به عهده بگیرد؛

۹ - در بالابردن سطح ارزش‌ها و عملی کردن آن‌ها در خانه بکوشد.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد